

نقش اتلاف و تسبیب در پرداخت خسارات

خلیل الله احمدوند^۱. کبری شهبازی^۲

۱. استادیار دانشگاه رازی کرمانشاه. ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه. ایران

چکیده

از قدیم الایام مرسوم بوده است که هر کس موجب زیان مالی و بدنی و شرافتی و معنوی به غیر می‌شده است مجبور به جبران و پرداخت غرامت به اندازه خسارت وارده به دیگری بوده است، و این قاعده قبل از اسلام در ایران و کشورهای متمدن مرسوم بوده است. تا اینکه اسلام در سرزمین‌های اسلامی استقرار می‌یابد، و با توجه به نیازهای روز اقدام به تاسیس قاعده‌هایی برای توجیه اخذ غرامت از متلف می‌نماید. از جمله این قواعد، قاعده لاضرر که متلف را به جبران آن مال تلف شده ملزم می‌نماید. در مسئولیت جبران زیان دو نظریه تقدیر و نظریه مسئولیت وجود دارد. قانون مدنی ایران این مسئولیت را تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب بیان نموده است. که در این مقاله سعی نگارندگان براین است که مساله فوق را توضیح، و نظریات محققین را ارائه دهد.

واژه‌های کلیدی: اتلاف، متلف، جبران، خسارت، تسبیب

مقدمه:

امروزه بر کسی پوشیده نیست که هر کس، هرچند صغر یا مجنون، با عث تلف مال دیگری شود، چه عمد و چه غیر عمد، باید غرامت تجاوز خود و اتلاف مال دیگری را پرداخت کند. و در بعضی مواقع علاوه بر پرداخت غرامت مالی با مجازات‌های کیفری نیز روبرو می‌شود، مثلاً در صورتی بر اثر تصادف در حال مستی راننده ای باعث خسارت به جان یا مال دیگری شود علاوه بر پرداخت غرامت به طرف با به اتهام رانندگی در حال مستی و در کشورهای اسلامی علاوه بر اتهام مذکور به اتهام شرب خمر به مجازات‌های کیفری محکوم خواهد شد. اگر طفل صغیری و یا مجنونی و یا حیوان دیگری باعث تلف مال کسی شود، برابر قانون باید خسارت بوجود آمده جبران گردد. یکی از مهمترین بخشهای حقوق مدنی هر کشور مسائل و احکام مربوط به اتلاف و تسبیب است. به بشرح زیر مطرح می‌شود.

۱- تعریف اتلاف و تسبیب در قانون مدنی

هر کس موجب زیان غیر شود بنا به قاعده لاضرر ملزم به جبران آن است. در مسئولیت جبران زیان دو نظریه تقدیر و نظریه مسئولیت وجود دارد. قانون مدنی ایران این مسئولیت را تحت دو عنوان اتلاف و تسبیب بیان نموده است.

از بین بردن مال دیگری کلاً یا بعضاً بطوریکه فعل منشاء اتلاف بوسیله خود فاعل به هدف هدایت شده باشد (مانند تحریک سگ درنده به دریدن لباس عابرین) یا بطور مستقیم (بوسیله آلت با بدون آلت) به هدف وارد شده باشد (مانند شکستن پنجره دیگری با سنگ یا با دست) عمد و عدم عمد و قصد و عدم قصد، نسبت به مسئولیت مدنی تلف کننده فرقی ایجاد نمی‌کند.

"مطابق با ماده ۳۲۸ قانون مدنی هر کس مال غیر را تلف کند ضامن آنست و باید مثل یا قیمت آنرا بدهد اعم از اینکه از روی عمد تلف کرده باشد یا بدون عمد و اعم از اینکه عین باشد یا منفعت و اگر آنرا ناقص یا معیوب کند ضامن نقص قیمت آن مال است."

در اتلاف فعل یا ترک فعل شخص مستقیماً و بدون واسطه موجب تلف مال می‌گردد، در حالیکه در تسبیب فعل یا ترک فعل شخص با واسطه امری موجب تلف مال میشود. اتلاف در موردی است که شخص بطور مستقیم مال دیگری را تلف می‌کند. (کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ص، ۲۰۵)

در اتلاف همین که رابطه علیت عرفی بین کار شخص و تلف موجود باشد، برای فاعل ایجاد مسئولیت می‌کند و لزومی ندارد تقصیر او نیز احراز شود. حتی ممکن است اتلاف به غیر عمد صورت گیرد و مسئولیت به بار آورد. (همان منبع، صف ۲۰۵)

صدمه زدن به جان و مال دیگران خود تقصیر است. (لوکرک دادستان کل بلژیک)

در تسبیب شخص بطور مستقیم مباشر تلف کردن نیست، ولی مقدمه تلف آن را فراهم می‌کند. یعنی کاری انجام می‌دهد که نتیجه آن کار یا همراه با علت‌های دیگر تلف واقع می‌شود. (ناصر کاتوزیان، الزامات

خارج از قرارداد، ص، ۲۰۷). لازم بودن تقصیر در قانون بصراحت نیامده. اما در بعضی مثالها مسئولیت را منوط به خطای مسبب اعلام نموده اند. ماده ۳۳۴ مقرر می دارد. "مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می شود، مگر این که در حفظ آن تقصیر کرده باشد".

۲- تفاوت های اتلاف و تسبیب

۲-۱ در اتلاف تقصیر شرط مسئولیت نیست، ولی در تسبیب، کاری که به مسبب نسبت داده میشود، باید در نظر عرف عدوانی و خطا باشد.

۲-۲ در اتلاف شخص بطور مستقیم و بی آنکه واسطه ای در کار باشد، مال دیگری را تلف می کند. ولی در تسبیب، برای اتلاف مقدمه سازی می شود و احتمال دارد که آن مقدمه نیز هیچگاه به اتلاف منجر نشود. ۲-۳ اتلاف تنها با انجام دادن کار و فعل مثبت تحقق می پذیرد ف در حالی که تسبیب ممکن است نتیجه انجام دادن کاری یا خودداری از انجام کاری باشد. (کاتوزیان، ناصر، الزامات خارج از قرارداد، ص، ۲۰۸).

۳- اجتماع سبب و مباشر

اگر تلف در اثر همکاری مسبب و مباشر منجر به تلف گردد، مباشر مسئول است. ماده ۳۳۲ مقرر میدارد "هرگاه یک نفر سبب تلف مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف آن مال شود، خود مباشر مسئول است و نه مسبب، مگر اینکه سبب اقوا از باشد، به نحوی که عرفا اتلاف مستند به او باشد." مثال ماده ۱۲۱۵ قانون مدنی نیز به این موضوع صراحتا اشاره دارد، "هرگاه کسی مالی را به تصرف صغیر غیر ممیز و یا مجنون بدهد ف صغیر یا مجنون مسئول ناقص یا تلف آن مال نخواهد بود" ماده ۳۶۳ ق. م. ا. قدیم مقرر میداشت که "در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوا از مباشر باشد".

۴- عناصر مشترک اتلاف و تسبیب:

گاهی به منظور جبران ضرر نامشروع یا خطری که برای دیگران ایجاد شده است مسئولیت مدنی به وجود میاید که برای تحقق مسئولیت وجود سه عنصر ضرورت دارد. ۴-۱ وجود ضرر ۴-۲ ارتکاب فعل زیان بار ۳-۴ رابطه سببیت بین فعل شخص و ضرری که واد شده است (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۱۷).

۵- وجود ضرر:

مستند به ماده ۷۲۸ قانون آیین دادرسی مدنی "در صورتی حکم خسارت می‌دهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرر به او وارد شده است" بدین وسیله ضرر در مرحله ثبوت نیز موضوع حق مورد مطالبه است و نباید آن را از لوازم داشتن نفع در اثبات حق شمرد. (مازو و شاباس، تعهدات، ش ۴۰۸). موضوع مسوولیت مدنی مجازات مرتکب تقصیر نیست، جبران خسارت ناشی از آن است. (کاتوزیان، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۱۹).

۶- مفهوم ضرر و اقسام آن:

مفهوم ضرر یعنی اینکه نقضی در اموال به وجود آید و یا اینکه منفعت مسلمی از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه ای وارد شود در این صورت می‌گویند ضرر به بار آمده است. قوانین و نویسندگان حقوق زیان‌هایی را که برای جبران آن مسوولیت مدنی ایجاد می‌شود به دو گروه متمایز تقسیم کرده‌اند ۱- مادی ۲- معنوی (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۱۹).

۷- زیان معنوی

زیان معنوی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

- ۱- زیانهای وارده به حیثیت و شهرت
- ۲- لطمه به عواطف و ایجاد تالم و تاثیر روحی شخص، با از دست دادن عزیزان خود یا ملاحظه درد ورنج آنان. (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۲۱)

۸- ضررمادی

۸-۱- ضرر ناروا و قابل جبرا:

ماده یک قانون مسوولیت مدنی مقرر میدارد: "هر کس بدون مجوز قانونی... موجب ضررمادی یا معنوی دیگری شود، مسؤل جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد". باید در نظر گرفت که سود و زیان با هم هستند از یک معامله و یا کاری ممکن است فردی سود ببرد و دیگری متضرر شود و برای طرفین ایجاد مسوولیت نکن ولی مصداق‌هایی وجود دارد که زیان رسان باید خسارت پرداخت کند که مواردی از آنها را بشرح ذیل مختصرا شرح می‌دهیم.

۸-۱-۱- ضرر ناشی از تضییع حق:

در رابطه با ضررناشی از تلف یا نقص اموال مادی و جبران خسارات وارده به دشواری خاصی بر نمی‌خوریم ولی اگر فردی کاری را انجام دهد که دیگری از منافع محروم شود، آیا باید ثابت کند که به حق قانونی

اولطمه وارد شده، یا نیازی به اثبات ندارد و می تواند منفعی را که در نتیجه برهم خوردن موقعیت عملی خود از دست داده به عنوان ضرر مطالبه کند؟ فرض کنیم فردی سرپرستی یک معلول را بعهده دارد، سرپرست بر اثر سهل انگاری ثالثی فوت می کند و باتوجه به اینکه متوفا اتفاق کننده فرد معلول است، آیا معلوم می تواند به استناد موقعیت خود از ثالث خسارت بخواهد؟ از نظر منطق و رعایت عدالت، هیچ تفاوتی بین این شخص و کسی که پسر یا شوهر خود را از دست داده است وجود ندارد، هر دو زیان دیده اند و نفعی که از آن محروم شده اند در هر دو مورد مشروع و اخلاقی است، ولی قانون مسئولیت مدنی خسارت کسی را که حق قانونی او مورد تجاوز قرار نگرفته است ضرر قابل مطالبه نمی شناسد و محروم ماندن از احسان را برای طرح دعوا کافی نمی داند. (کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ص ۲۲۳).

۱-۲-۸- لزوم مشروع بودن و استقرار موقعیت عملی

از دست دادن نفعی را می توان ضرر بحساب آورد که مشروع باشد و این قاعده در مورد زیانهای معنوی نیز رعایت می شود. (کاتوزیان، ناصر، ص ۲۲۴) موقعیت از دست رفته باید دائمی باشد و برای امتیازهای موقتی نمی توان ادعای خسارت کرد.

۹- قاعده اتلاف از دیدگاه فقه شیعه

از دیدگاه فقه شیعه، موجبا ضمان قهری سه چیز است: ضمان ید، اتلاف و تسبیب، در این مقاله تلاش خواهد شد اتلاف و احکام مربوط به آن به طور مختصر توضیح داده شود. همانطور که گفته شد، اتلاف از موجبات ضمان به شمار می رود و همانند سایر قواعد، ابتدا به ذکر مستندات آن می پردازیم.

۱۰- مستندات قاعده

الف) کتاب

مستند این قاعده در کتاب، این آیه شریفه است که بعضی از قداما، از جمله شیخ طوسی در مبسوط (المبسوط، ج ۳، ص ۵۹. نظیر این جمله توسط ابی بصیر از حضرت صادق (ع) نقل شده است. (ر. ک: وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۶۱۰) به آن اشاره کرده اند: «فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ. . .» [ه - جواهرالکلام، ج ۳۷، ص ۶۰]. ر کس به شما تجاوز کرد پس بر او به مانند آنچه بر شما تجاوز کرده است تجاوز کنید.

تردید نیست که اتلاف مال دیگری بدون اذن صاحب آن، از مصادیق تجاوز بر دیگری محسوب می شود. مستفاد از آیه شریفه فوق دو چیز است: اولاً اعلام جواز با به تعبیر دیگر، جعل حق مواخذه و مطالبه برای طرفی که مورد تعدی و تجاوز گرفته است و ثانیاً این که مورد مطالبه می تواند مقابله به مثل باشد، که در این حکم قرآنی، «مثل بگیرد»، کنایه از آن است که اگر مثلی باشد، مثل و اگر قیمتی باشد قیمت گرفته

شود. به بیان فوق، در این آیه، حکم واضحی وجود دارد مبنی بر این که هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن آن است، یعنی آیه در مقام جعل حق و بیان حکم وضعی است. البته از سوی بعضی از فقها، استدلال برای ضمان به آیه فوق مورد خدشه و مناقشه قرار گرفته است.

ب) روایات

شیخ طوسی در مبسوط روایتی از عبدالله بن مسعود از رسول اکرم (ص) نقل کرده که آن حضرت (ص) فرموده است: «حرمة مال المسلم كحرمة دمه»، یعنی احترام مال مسلمان، مانند احترام خون او است. اگر اهمیت مال مسلمان مانند خون او باشد، چنانچه مقداری از آن تلف شود، موجب ضمان خواهد بود. روایات دیگری نیز در کتب فقهی، مستند این قاعده قرار گرفته است. علاوه بر این، فقها جمله «من اتلف مال الغير فهو له ضامن» (هر کس مال دیگری را تلف کند، ضامن است) را یک حدیث منقول از معصوم (ع) تلقی کرده اند. هر چند این عبارت در کتب حدیثی دیده نمی شود، ولی از چنان شهرتی برخوردار است و آن چنان مورد استفاده فقها قرار گرفته که در حدیث بودن آن تردیدی باقی نمی ماند و در بسیاری نصوص دیگر نیز کلماتی حاکی از مضمون این جمله وجود دارد. به هر حال، جمله فوق به صورت یک قاعده در آمده است. برای روشن شدن بیشتر حدیث، کلمات آن مختصر توضیح داده می شود.

یک (اتلاف: اتلاف بر دو قسم است: اتلاف حقیقی و اتلاف حکمی. «اتلاف حقیقی» آن است که شخصی مال دیگری را به کلی از بین ببرد، مثلاً لباس یا فرش او را بسوزاند یا خانه اش را خراب کند؛ ولی در «اتلاف حکمی» نفس مال از بین نمی رود، بلکه با بقای اصل مال، مالیت آن نابود می شود، مانند این که شخصی یخ و برف متعلق به دیگری را در فصل تابستان در مکانی مخفی کند و در زمستان آن را اظهار و به صاحبش برگرداند. در اینجا، هر چند مرتکب، عین یخ و برف را نابوده نکرده (اتلاف حقیقی) ولی چون آن را از مالیت و ارزش انداخته، مرتکب اتلاف حکمی شده است.

بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها باعث ضمان نیست، بلکه عرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد بهادله دیگری تمسک می کنند و مثلاً می گویند: آیه «فَمَنْ اَعْتَدَى...» (بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها باعث ضمان نیست، بلکه عرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد بهادله دیگری تمسک می کنند و مثلاً می گویند: آیه «فَمَنْ اَعْتَدَى...» (بقره، ۱۹۰) بیان کننده ضمان عدوان یا اعتدا است و موارد اتلاف حکمی، مشمول ضمان مزبورند. (بعضی از فقها قاعده اتلاف را شامل هر دو گونه اتلاف دانسته اند، اما به نظر بسیاری از فقیهان، اتلاف مال، شامل اتلاف حکمی نمی شود. البته نباید تصور کرد که نوع دوم به نظر دسته اخیر فقها

باعث ضمان نیست، بلکه عرض این است که به نظر آنان اتلاف حکمی مشمول این قاعده نیست. آنان در این مورد بهادله دیگری تمسک می کنند و مثلاً می گویند: آیه «فَمَنْ اَعْتَدَى...» بیان کننده ضمان عدوان یا اعتدا است و موارد اتلاف حکمی، مشمول ضمان مزبورند.

(دو) مال: مال در فقه به این شرح تعریف شده است: «المال ما یبذل بازائه المال»: یعنی مال چیزی است که در مقابل آن مال بدهند. این تعریف فقهی مال است:

ولی گروهی از فقها عقیده دارند که در این تعریف، دیر وجود دارد، زیرا در تعریف مال آمده است: مال چیزی است که به ازای آن مال داده شود. پس تعریف، مبتنی بر تعریف خود مال است و به نظر می رسد بهتر است در تعریف مال گفته شود: مال چیزی است که نزد مردم مطلوب است و به طور مستقیم یا غیر مستقیم نیازهای آنان را برطرف می کند.

بخشی از اموال مانند اغذیه و لباس مستقیماً نیاز انسان ها را رفع کنند و لذا مالیت و ارزش آن ها تکوینی و واقعی است؛ و دسته دیگر مستقیماً رفع نیاز نمی کند ولی وسیله رفع نیاز هستند، مانند ثول که به خودی خود رافع نیازی نیست، بلکه با اموال دیگر مبادله می شود و به واسطه آن ها رفع نیاز می کند و ارزش اعتباری دارد. به همین علت وقتی گفته می شود که مثلاً فلان سری اسکناس فاقد اعتبار است، با وصف موجود بودن اسکناس، چون قدرت قراردادی و اعتباری اسکناس ها سلب گردیده ارزشی نخواهند داشت.

(سه) ضامن: وقتی چیزی تلف می شود، وجود اعتباری اش در عهده متلف قرار می گیرد و این، معنای ضمان واقعی است. عقیده فقها بر این است که هر کس بدون اجازه صاحب مال، مال او را از بین ببرد، آن مال با وجود اعتباری خود در عهده متلف قرار می گیرد، هر چند که تحت ید او هم نباشد و باید با پرداخت متل در مثلیات و قیمت در قیمیات از عهده آن برآید.

ج- اجماع

در اصل ضمان ناشی از اتلاف، فقها اجماع دارند؛ هر چند ممکن است در خصوص موارد و مصادیق آن، اختلاف نظر وجود داشته باشد. البته ارزش این گونه اجماعات از نظر فقهی محل تردید و مناقشه است، چرا که امکان دارد روایات مورد اشاره مستند آن باشند و بنابراین اجماع از اقسام «اجماع مستند یا مدرکی» به حساب آید و از درجه اعتبار ساقط گردد. (ر. ک: نگارنده، اصول فقه، دفتر دوم، مبحث اجماع، ص ۱۰۲-۹۱)

نتیجه:

امروزه حقوقدانان به این نتیجه رسیده اند که هر شخصی در اجرای حق خود مرتکب تقصیر چه مادی و چه معنوی شود با ید خسارات طرف مقابل را جبران کند. صاحب حق نباید در همه حال در چگونگی استفاده از حق خود، خود را آزاد بینگارد، واز آزادی خود سوء استفاده کرده، که این سوء استفاده و آزادی

نامحدود باعث ضرر به غیر شود، زیرا سوء استفاده از حق نوعی تقصیر بوده و در صورتی ناروا به دیگری ضرری وارد کند باید تاوان پرداخت کند.

فهرست منابع و مآخذ

- دکتر ناصر کاتوزیان
- لوکرک، دادستان کل بلژیک
- وسائل الشیعه
- سوره بقره، آیه ۱۹۰
- جواهرالکلام،

